

دلایل و لزوم تفکیک و طبقه‌بندی مجرمان در زندان‌ها

معصومه ملکی^۱، سعید دریایی^۲

^۱ کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

چکیده

در این تحقیق به جایگاه زندان در سیاست کیفری، اصل عدم حبس و پذیرش حبس حداقلی در اسلام پرداخته شده است. همچنین با اشاره به نظام بین‌المللی و قوانین برخی از کشورها در رابطه با طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان مزایا و موانع اجرای تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مطرح گردیده و خاطرنشان شده است که ضروری و الزامی است که پیش‌شرط‌های اجرای این طرح حتماً در نظر گرفته شود. همچنین بیان کرده‌ایم که در صورت اجرای کامل طرح تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مزایای آن، چه می‌باشد و در صورت عدم اجرای طرح تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان، چه پیامدها و زیان‌هایی بر آن مترتب خواهد بود و نیز عواملی را که مانع از اجرای کامل طرح تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان می‌باشد، ذکر شده و نتیجه تحقیق این است که برای کاهش تبعات منفی حبس، باید تمهیداتی اندیشیده شود تا ضمن کاهش تعداد زندانیان، طبقه‌بندی و تفکیک آن‌ها بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: حبس، طبقه‌بندی زندانیان، زندان، شورای طبقه‌بندی زندانیان.

مقدمه

یکی از مجازات‌های رایج برای افراد مجرم در همه کشورها، جدا کردن آن‌ها از سایر مردم است که منجر به پدید آمدن مکان‌هایی به نام زندان شده است. از دیرباز این نوع مجازات در میان ملت‌ها وجود داشته و رفته رفته با افزایش جمعیت و افزایش جرم و جنایت بر تعداد مجرمان و زندان‌ها افزوده شده است. در اسلام اصل بر عدم حبس و با حد اقل نمودن آن است. اسلام اساساً تحت نظر قرار دادن موقت متهم را مد نظر داشته است. به همین علت متهم از یک تا سه روز در مسجد و تحت نگهداری و کنترل قرار می‌گرفته است و در جرم قتل، متهم به ارتکاب قتل حداکثر تا شش روز تحت نظر قرار داشته است. حتی این موارد عنوان بازداشت موقت هم نداشته و نام تحت نظر به آن اطلاق می‌گردیده است. خاطرنشان می‌سازد که نظام حقوقی اسلامی، حبس را به صورت استفاده محدود و با هدف رسیدن به اموری نظیر منوط بودن استیفای حق به زندانی کردن مجرم و به صورت کاملاً حداقلی پذیرفته است؛ لکن سیستم حقوقی و تقنینی کشور ایران از این موضوع فاصله گرفته و حبس را غالباً به مثابه یک مجازات و با انگیزه عقوبت و سزادهی و اصلاح و درمان استفاده می‌نماید که این امر مغایر با اصل پذیرش حبس حداقلی در اسلام است (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۰: ۵۳). مسأله مهمی که مورد زندان‌ها وجود دارد، همنشینی مجرمین با یکدیگر و تبعات منفی آن است. با توجه به این که همه مجرمان از یک نوع نبوده و از نظر سن، جنس، جرم، میزان محکومیت تفاوت‌های مهمی با هم دارند، جداسازی و تفکیک زندانیان یکی از اصول مهم است که از مصادیق اصل فردی نمودن مجازات است. در فردی نمودن مجازات، توجه به عواملی مانند شخصیت مجرم، جنسیت، سن و شرایط ارتکاب و ... حائز اهمیت بوده و با توجه به همین عوامل، مجازات‌های گوناگونی بر مجرمین بار می‌شود. در جداسازی و طبقه‌بندی زندانیان نیز دقت نظر در همین عوامل، سبب ایجاد طبقه‌بندی‌های مختلفی در بین زندانیان می‌گردد و برنامه مختلف اصلاحی و تربیتی بر همین مبنا در مورد بزه‌کاران اجرایی می‌شود (مقیمي حاجی، ۱۳۸۶: ۹۲). در این پژوهش به این موضوع می‌پردازیم که به چه دلیل مجرمان باید در زندان‌ها از یکدیگر جدا باشند و لزوم این طبقه‌بندی و اهمیت آن چیست؟

زندان در فقه اسلامی

در فقه اسلامی، حقوق و نصوص موجود در حقوق کیفری ایران، همواره کلمه زندان به میزان قابل توجه و پرتکراری مورد استفاده قرار گرفته و به چشم می‌خورد. هر چند تلاش حقوقدانان در طول قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی در زمینه جلوگیری از مجازات‌های خشن و شدید موجب پذیرش زندان به عنوان مجازات اصلی در اوایل قرن ۱۹ شد، اما دیری نپایید که استفاده بی‌رویه از زندان با توجه به ناکارآمد بودن مجازات حبس در اصلاح و بازپروری زندانیان و همچنین به دلیل جرم‌زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان و مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن، باعث انتقادات شدیدی نسبت به این مجازات شد (الهی و احسان پور، ۱۳۸۸: ۲۵۰).

بزرگان اسلامی نیز با زندان به طور دایم موافق نبوده اند و این مجازات در شرایط بسیار خاص توصیه می‌کنند. امام علی علیه السلام در خصوص فردی که امساک در قتل می‌کند، فرموده‌اند حبس می‌شود تا بمیرد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷: ۱۰۵). یا آن‌که در روایت صحیحی آمده است که آن قاتلی که پس از ارتکاب قتل عمدی فرار کند، حاکم پس از دستیابی به وی او را زندانی کند (حرعاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۷: ۴۱۹).

ضمن آن‌که در برخی کتب فقهی دیگر نیز روایت شده است که: «بر امام جایز است که مردم را ولو با حبس کردن و زنجیر کردن از زنا و محرمات الهی باز دارد» (ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۲: ۸۱۱).

۲. سنت عملی: رضوان شافعی در کتاب خود نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) متهم را تا روشن شدن وضعیت زندانی کرد که البته این مورد زندان نیست و ماهیتش توقیف احتیاطی می‌باشد (شافعی، ۱۳۴۹ ق، س ۶۸). از دیدگاه حقوق کیفری و فقه جزایی اسلام، مجازات مجرمان ذیل حبس ابد است:

۱. کسی که فردی را نگه داشته تا دیگری، او را بکشد.
۲. کسی که فرمان به قتل دیگری داده است و مامور وی آن شخص را کشته است. در این مورد میان فقها اختلاف نظر وجود دارد، اما نظر مشهور فقها همین است.
۳. کسی که دوبار مرتکب سرقت حدی شود و هر بار حد بر وی جاری شود و برای بار سوم مرتکب سرقت حدی گردد.
۴. زن مرتده، در صورتی که توبه نکند. البته باید دقت داشت که اگرچه زن مرتده تا زمانی که توبه نکند حبس می‌شود، ولی در مجازات بودن ماهیت این حبس تشکیک وجود دارد. تعدادی از فقها اعتقاد دارند که این حبس ابزاری برای اجبار به توبه است. لذا اگر ماهیت این حبس را مجازات در نظر بگیریم، تعداد حبس‌هایی که از منظر فقه اسلامی ماهیت مجازات دارند، چهار عدد بوده و اگر ماهیت حبس زن مرتده را مجازات در نظر نگیریم، تعداد حبس‌هایی که از دیدگاه اسلام مجازات محسوب می‌شوند، سه عدد خواهد بود (خویی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۱۵).

قوانین تفکیک زندانیان در نظام بین الملل

تفکیک و جداسازی زندانیان، به صورت مستمر و دائمی در قوانین عدیده بین‌المللی مورد توجه قرار داشته است؛ چراکه با پیشرفت‌های گسترده دانش‌ها و مبانی مختلف جزایی خصوصاً تغییرات و تحولات در بحث فلسفه مجازات و چرخش وسیع این موضوعات به سوی اصلاح و بازپروری، نیل به این هدف بدون طبقه‌بندی بزهکاران امکان‌پذیر نیست. به همین علت و در راستای رسیدن به این هدف اساسی و مهم، این موضوع مد نظر مجامع گوناگون داخلی و خارجی قرار داشته و نهادهای مختلف واضع قانون در کشورهای متعدد همواره تلاش نموده‌اند تا میان قوانین و مقررات داخلی خود با این مقررات بین‌المللی انطباق و سنخیت برقرار نمایند.

یکی از پیش‌شرط‌های ضروری در اجرای برنامه‌های اصلاحی و تربیتی برای زندانیان، تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان است و در سایه طبقه‌بندی زندانیان است که هدف والا و اصلی مجازات حبس که همان بازپروری، تربیت مجدد و اصلاح محبوسین است به منصفه ظهور می‌رسد. این نکته را نیز همواره باید مدنظر داشت که اشخاصی که به عنوان زندانی و اعم از متهم یا محکوم وارد محیط زندان می‌شوند، غالباً فاقد شخصیت‌های محکم و استواری هستند که قادر باشند در برابر فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مرسوم داخل زندان از خود پایداری و ایستادگی نشان دهند (عبدی، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

به همین علت می‌توان گفت که جداسازی و تفکیک زندانیان از یکدیگر می‌تواند تا حد بسیار قابل قبولی از انتقال و نشت این فرهنگ و خرده فرهنگ‌ها ممانعت به عمل آورد. منظور از انتقال یا نشت یا به عبارت دیگر سرایت در زندان که اولین بار توسط فردی به نام جان هوارد استفاده شد، آن حالت و وضعیتی است که محبوسین بدون کمترین تلاشی در راستای تقسیم و جداسازی ایشان در زندان و تنها بر مبنای مقدار مشارکت آن‌ها در فعالیت مجرمانه در معیت یکدیگر نگهداری می‌شوند و راه‌های انجام جرم را به همدیگر آموزش می‌دهند (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۷: ۷۱).

برخی از کشورهای خارجی قوانین خاص و طبقه مخصوصی را در نظام کیفری خود برای آن دسته از زندانیانی که دارای شرایط ویژه هستند مدنظر داشته‌اند. از جمله این افراد می‌توان به زنان باردار و یا مادرانی که دارای فرزند کوچک هستند اشاره نمود. به طور مثال، در کشور یونان زنانی که دارای نوزاد باشند در بندهای تک نفره نگهداری می‌شوند و این بندها باید حداقل چهار مترمربع مساحت داشته باشند. در کشور پاکستان زنان زندانی، در صورتی که فرزند کوچک داشته باشند، می‌توانند تا سه سالگی این فرزندان را همراه خود در محیط زندان داشته باشند. در کشور ایتالیا، زنان زندانی در مدت بارداری و شیردهی به فرزندان خود، از سایر زندانیان جدا شده و در محل جداگانه‌ای نگهداری می‌شوند و تحت مراقبت مددکاران اجتماعی قرار خواهند گرفت (باقری، ۱۳۹۸: ۶۸-۶۶).

مقررات خاص تفکیک زندانیان در برخی کشورها

ژاپن

در سیستم قضایی و دادگستری کشور ژاپن، هدف از طبقه‌بندی مجرمین تعیین مقدار بودجه لازم برای اداره زندان‌ها و نیز ارائه مطلوب‌ترین برنامه‌های رفتار درمانی برای زندانیان براساس تحقیقات و مطالعات علمی است. اولین نظام طبقه‌بندی محکومین در کشور ژاپن در سال ۱۹۴۸ میلادی به تصویب رسید و در سال ۱۹۴۹ میلادی به مرحله اجرا در آمد. وفق قوانین کیفری ژاپن، طبقه‌بندی زندانیان باید براساس ارکان ذیل باشد:

۱. آگاهی از روش‌های ویژه اجتماعی، روانی و پزشکی؛

۲. مشورت‌گیری از افراد درمان‌گر و سایر متخصصین؛

در هر زندان از هر منطقه‌ای در کشور ژاپن، یک مرکز طبقه‌بندی وجود دارد که تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در آن مرکز صورت می‌پذیرد. در این مرکز و در مرحله اول، ابتدا زندانیان پس از بررسی‌های علمی و براساس ضوابط قانونی به گروه‌های مختلف تقسیم‌بندی خواهند شد. در مرحله دوم برنامه‌های موثر و مقتضی با توجه به هر گروه‌بندی بروی این افراد و براساس معیارهای علم و آزمون‌های متعدد و مختلف روان‌شناسی انجام خواهد گرفت. انواع طبقه‌بندی در زندان‌های ژاپن به شرح ذیل است.

۱. طبقه‌بندی براساس جنسیت، نوع مجازات، سن و مدت زمان محکومیت.

۲. طبقه‌بندی براساس اختلالات روانی و جسمانی (طبقه‌بندی روانی)

۳. طبقه‌بندی درمانی.

اغلب زندانیان، افرادی هستند که نیاز به آموزش‌های اجتماعی و اصلاح و بازپروری رفتاری دارند. به همین علت است که همواره اصلاح و تربیت مجدد زندانیان، علاوه بر آن که می‌تواند باعث خروج خیل کثیری از محبوسین گردد، زمینه کاهش تکرار جرم در مجرمین سابقه‌دار را نیز تا حد چشمگیری فراهم می‌نماید (فرقدان، ۱۳۷۴: ۳۲-۳۰).

روسیه

در کشور روسیه افرادی که در انتظار محاکمه هستند در بازداشتگاه‌ها به سر می‌برند. سلول‌های بازداشتگاه شبیه به بند یا اتاق‌های خوابگاه است. در حال حاضر در کشور روسیه ۱۶۰ بازداشتگاه با بیش از ۲۰۰ هزار نفر بازداشتی از ازدحام جمعیت شدید رنج می‌برند. به طور مثال زندان بوتیرکا در مسکو بیش از ۵۰۰۰ نفر زندانی را در خود جای داده است. غالب زندانیان در این کشور مدت محکومیت خود را در اردوگاه‌های کار سپری می‌کنند و فقط تعداد کمی از آن‌ها در زندان‌های معمولی نگهداری می‌شوند. اردوگاه‌ها به سه دسته باز، نیمه‌باز و بسته تقسیم می‌شوند.

۱. اردوگاه‌های باز که به زیستگاه‌های دورافتاده نیز شهرت دارند، پذیرای مجرمینی هستند که مرتکب جرایم بسیار سبک شده و بار اولی است که وارد فضای اردوگاه و زندان می‌شوند. همچنین کسانی که قبلاً مدتی از زمان محکومیت خود را در اردوگاه‌های نیمه بسته گذارنده و حسن رفتار خویش را نشان داده‌اند، در اردوگاه‌های باز نگهداری می‌شوند. اردوگاه‌های باز تحت نظارت است ولی نگهبان ندارد، به هیچ عنوان نمی‌توان از محیط اردوگاه باز خارج شد، اما زندانیان می‌توانند در طول روز آزادانه در محیط اردوگاه رفت و آمد کرده و یا با اجازه کارکنان اردوگاه از محوطه خارج شده و از فروشگاه تغذیه تهیه نمایند. ضمناً در صورت وجود امکانات، زندانیان می‌توانند با خانواده خود زندگی کرده و یا در محوطه زیستگاه، اقدام به کشاورزی نمایند. زندانیان مقیم اردوگاه‌های باز می‌توانند با لباس شخصی بوده و الزامی برای استفاده از یونیفرم زندان ندارند (ماتیوس، ۱۳۸۱: ۳۰۸).

۲. اردوگاه‌های نیمه‌باز، اماکنی هستند که با رژیم عادی یا شدید اداره می‌شوند. در این اردوگاه‌ها زندان‌هایی شبیه مسافرخانه یا خوابگاه سربازان وجود دارد و زندانیان در آن‌ها نگهداری می‌شوند. اردوگاه‌های نیمه‌باز دارای نگهبانان مسلح بوده و با سیم خاردار محصور و محافظت می‌شوند. در طول روز زندانیان می‌توانند از سلول‌ها خارج شده و مدتی از روز را در خارج از سلول‌های خود

سپری کنند. (همان: ۳۱۱).

۳. اردوگاه‌های بسته نیز مخصوص مجرمان خطرناک و باسابقه است و نسبت به سایر زندانیان در شرایط سخت‌تری نگهداری می‌شوند.

پس از اردوگاه‌ها نوبت به زندان‌ها می‌رسد که کمتر از یک درصد از محکومین را در خود جای داده‌اند. افراد نگهداری شده در این زندان، کسانی هستند که یا مستقیماً از سوی دادگاه‌ها برای طی کردن دوران محکومیت خود به زندان‌ها فرستاده شده‌اند و یا افرادی هستند که به دلیل نقض جدی مقررات انضباطی اردوگاه‌ها، به زندان‌ها منتقل شده‌اند. لذا اغلب افرادی که در زندان‌ها نگهداری می‌شوند، خطرناک‌ترین و مشکل‌سازترین زندانیان هستند. شرایط و رژیم اداره حاکم بر زندان‌ها، به دو روش عادی و شدید تقسیم می‌شود که این دو روش با دو روش اداره عادی و شدید در خصوص اداره اردوگاه‌های نیمه‌باز کاملاً متفاوت است. به این نحو که تمام زندانیانی که وارد زندان می‌شوند، بار اول تحت روش رژیم عادی قرار می‌گیرند؛ لکن آن دسته از زندانیانی که قوانین و مقررات انضباطی زندان‌ها را رعایت ننمایند، تحت رژیم شدید نگهداری خواهند شد. مدت زمان رژیم شدید برای زندانیان حداکثر تا شش ماه است و پس از گذشتن شش ماه، زندانیان باید دوباره تحت رژیم عادی نگهداری شوند. در رژیم عادی زندانیان می‌توانند تا چهار بار در سال با اقوام و بستگان خود ملاقات داشته باشند، اقدام به ارسال یا دریافت بسته‌های پستی کرده و در روز تا یکساعت ورزش کنند اما رژیم شدید هیچ‌کدام از این مزایا را ندارد و تنها زندانیان در این رژیم نگهداری، مدت زمان تحمل کیفر خود را بدون هیچ‌گونه امکاناتی سپری می‌کنند (ماتیوس، ۱۳۸۱: ۳۲۰).

قبرس

در زندان‌های قبرس، زندانیان به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند.

۱. زندانیانی که رسیدن موعد محاکمه باید در زندان بمانند.
۲. زندانیان جرائم مالی، بدهکاران و محکومان غیرنظامی.
۳. زندانیان جرائم سنگین.

زندان‌هایی که دارای سن زیر ۲۱ سال هستند، باید الزاماً در بندها و محل‌های جداگانه نگهداری شوند و محل نگهداری زنان نیز از محل اقامت مردان، کاملاً منفک و جدا می‌باشد؛ به علاوه آن‌که زندانیان زن باید مأمورین و مراقبین زن هم داشته باشند و به کارگیری مأمورین مرد برای زنان ممنوع است. در بندهای نگهداری زنان، آن دسته از زنان زندانی که دارای انحرافات جنسی و یا هرگونه بیماری اعم از جسمی یا روحی باشند، باید از سایر زندانیان تفکیک گردند. مجرمین مالی در مدت تحمل محکومیت خویش حق برخورداری از امکانات زندان را خواهند داشت (مانند امکانات ورزشی، تفریحی، پستی و غیره) و چنانچه جرم انتسابی به ایشان به اثبات نرسد، کلیه مخارج و هزینه‌های آنان از طرف شاکی پرداخت خواهد شد. ضمناً این زندانیان می‌توانند با لباس شخصی در زندان تردد کنند و الزامی به استفاده از لباس متحدالشکل زندان ندارند. محکومان به اعدام به صورت مجزا در یک سلول انفرادی تحت مراقبت دو مأمور هستند و تنها حق مکاتبه با وکیل و خانواده خود را دارند و امکان ملاقات حضوری و یا ارتباط تلفنی با آن‌ها را ندارند. در پایان نیز باید عنوان کرد که زندانیان روانی نیز می‌بایست در سریع‌ترین زمان ممکن در بخش ویژه روان‌درمانی بستری شوند (کاظمی رودسری، ۱۳۷۹: ۶۳).

زندان در قوانین جمهوری اسلامی

از دیدگاه حقوقی و قانونی، دکترین حقوقی و حقوقدانان و همچنین از نظر قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، زندان عبارت است از محل نگهداری افرادی که به حبس یا سلب آزادی محکوم شده‌اند (صفاری، ۱۳۹۷: ۲۱). در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ در ماده ۳۰ خود زندان این‌گونه تعریف

شده است: «زندان، محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین و به منظور تحمل کیفر با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می‌شوند» (باقری، ۱۳۹۸: ۱۳).

انواع زندان در فقه اسلامی و حقوق موضوعه

در مورد حبس، روایات بسیاری وجود دارند که خود مبنای اظهارنظر بسیاری از فقها است، اما با اندکی مسامحه می‌توان توقیف و حبس در اسلام را چهار دسته ذیل تقسیم‌بندی کرد که از این چهار مورد، دو مورد آن حبس و دو مورد آن توقیف موقت است:

۱- توقیف احتیاطی موقت به عنوان عاملی برای جلوگیری از فرار متهم مثل حبس فرد متهم به قتل به مدت شش روز تا این که ولی دم بینه‌ای مبنی بر قاتل بودن وی بیاورد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷: ۲۲۲). از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبر (ص) متهم به قتل را برای مدت شش روز حبس نگه می‌داشتند تا اولیای مقتول دلیل روشنی مبنی بر قاتل بودن او ارائه کنند و اگر تا پایان مدت مذکور چنین نمی‌نمودند، حضرت متهم را آزاد می‌کردند.

۲- حبس تعزیری به عنوان عامل تعزیر و مجازات مانند حبس عالم فاسق (ابن بابویه، ۱۳۹۰، ج ۴: ۴۶)؛ مانند آن که از امام علی (ع) روایت شده است که بر امام واجب است که علمای فاسق و اطبای جاهل را حبس نماید.

۳- توقیف موقت به عنوان عاملی برای فشار آوردن به فرد برای روشن شدن یا پذیرش حق (ابن بابویه، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۹)؛ مانند حبس شخصی که بدهکار است، ولی نسبت به پرداخت بدهی خود ادعای اعسار می‌کند. در این خصوص امام علی علیه السلام فرد مدیون را حبس می‌فرمودند تا اگر حاجت و افلاس وی معلوم می‌شد آن گاه وی را آزاد می‌نمودند.

۴- حبس حدی به عنوان عاملی در امتداد حدود (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷: ۲۲۲). در این باره زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که از حضرت سوال کردم اگر پس از قطع دست و پای سارق، او بازهم مرتکب سرقت شد با او چه کنیم؟ حضرت فرمودند او را برای همیشه زندانی کنید تا مردم برای همیشه از شر او در امان باشند.

باید دقت داشت که تقسیم‌بندی دیگری نیز در زمینه انواع حبس در اسلام وجود دارد مثل آن که حبس‌ها را به سه دسته تفکیک می‌نمایند. علی‌رغم وجود تفاوت میان انواع تقسیم‌بندی‌های حبس موجود در فقه اسلامی، قدر متیقن آن است که عناوین و موارد شمول این حبس‌ها متنوع و مشخص بوده و تنها از نظر ظاهری و شکل دسته‌بندی میان این تقسیم‌بندی‌ها تفاوت جزئی وجود دارد (ناسخیان، ۱۳۸۷: ۳۷).

اماکن سلب آزادی افراد در حقوق موضوعه ایران به دو دسته اصلی بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها تقسیم می‌شود و میان این دو وجوه اشتراک و افتراقی وجود دارد. به عنوان نمونه، هم بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها سبب سلب آزادی افراد شده و اشخاص درون خود را تحت نظارت و مراقبت قرار می‌دهند؛ به علاوه آن که هم افراد بازداشت شده و هم افراد زندانی می‌بایست با دستور کتبی مقامات قضایی صلاحیت‌دار وارد این اماکن شوند؛ اما در مقابل، میان این دو تفاوت‌هایی نیز وجود دارد من جمله آن که بازداشت موقت به معنای سلب آزادی از متهم در جریان تحقیقات مقدماتی است که گاهی تا پایان رسیدگی ماهوی و صدور حکم و حتی شروع به اجرای آن هم ادامه می‌یابد؛ لکن حبس یکی از انواع مجازات است که به موجب حکم قطعی و لازم‌الاجرای آزادی اشخاص را سلب می‌نماید (باقری، ۱۳۹۸: ۱۵).

بازداشتگاه‌ها

براساس قوانین و مقررات جاری در کشور، به طور کلی سه دسته بازداشتگاه‌ها در کشور ما وجود دارد:

الف- بازداشتگاه‌های امنیتی موضوع آیین‌نامه بازداشتگاه‌های امنیتی مصوب ۱۳۸۵/۸/۳۰

ب- بازداشتگاه‌های موقت: موضوع آیین‌نامه بازداشتگاه‌های موقت مصوب ۱۳۸۵/۸/۳۰

ج- بازداشتگاه‌های عمومی: موضوع آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴.

زندان‌ها

براساس آیین‌نامه فعلی سازمان زندان‌ها، زندان‌ها را می‌توان براساس شخصیت زندانی به چهار دسته عمده ذیل منقسم نمود:

۱. موسسات حرفه‌آموزی و کار درمانی که این موسسات ویژه نگهداری متهمان و محکومان مربوط به جرایم مواد مخدر و اعتیاد است. بر این اساس دو نوع اردوگاه برای این اشخاص در نظر گرفته شده است:
الف: اردوگاه بازپروری که مخصوص معتادین به مواد مخدر است.
ب: اردوگاه خاص نگهداری مجرمین و محکومین جرایم مواد مخدر. مثل حمل‌کنندگان و فروشندگان مواد مخدر (محمدنژاد، ۱۳۸۷: ۴۳).

۲. کانون اصلاح و تربیت که به موجب ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که مخصوص نگهداری اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال است. نکته حائز اهمیت آن است که خود این کانون‌ها دارای بازداشتگاه و زندان می‌باشند و هدف آن اصلاح اطفال و نوجوانان، عدم ارتباط این افراد با سایر مجرمین بالغ و ایجاد رابطه صحیح میان کودکان و نوجوانان با دستگاه قضایی است (محمدی آرانی، ۱۳۸۱: ۵۵).

۳. مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی و سایر موسسات مشابه زندان که این اماکن وفق ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ویژه نگهداری متهمان و محکومان قبل، بعد یا در ضمن اجرای مجازات تا رفع حالتی است که در آینده ایشان را در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد.

با اندکی دقت می‌توان این نکته را دریافت کرد که قانون‌گذار در تصویب ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱/۱ نیز همین اماکن را مدنظر داشته و مقصود از نگهداری مرتکب در محل مناسب، همین اماکن است. ضمن آن‌که وفق تبصره ۲ ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی، مراکز روان‌درمانی بهزیستی یا بیمارستانی تا زمان شروع به کار اماکن مناسب قوه قضاییه، به نگهداری این افراد می‌پردازند (نجفی ابرندآبادی و رضوانی، ۱۳۹۴: ۲۲).

۴. زندان محکومان عمومی یا عادی یا محکومان مالی که این زندان‌ها به نگهداری کلیه زندانیان به استثناء ۳ دسته زندانی فوق و نیز برخی محکومان دیگر مثل محکومان به حبس بدل از جرایم نقدی یا محکومان مالی اختصاص یافته است، این نوع زندان دارای تفکیک بانوان از آقایان است. پرواضح است که این زندان مخصوص، ویژه افراد موسر از نظر مالی است که از پرداختن بدهی خودداری می‌ورزند؛ چراکه اشخاص معسر به دلیل عدم امکان پرداخت بدهی خود، از حبس در زندان معاف هستند (صیادیان، ۱۳۹۵: ۵۰).

پیامدهای عدم طبقه‌بندی زندانیان

طبقه‌بندی زندانیان واجد آثاری است که برخی از آن‌ها تنها در جامعه کوچک زندان قابل مشاهده است و برخی دیگر از حدود و چارچوب زندان فراتر رفته و جوامع خارج از زندان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. مجدداً تأکید می‌شود که شرط اساسی در طبقه‌بندی زندانیان حفظ و توجه به اصل عدم حبس و حبس حداقلی در اسلام است. اگر چه در زمان اجرای سیستم زندان‌های انفرادی به دلیل مزایایی که برای این نوع سیستم نگهداری متصور بود از جمله تفکیک یک زندانی از سایر زندانیان و منتفی بودن تأثیرگذاری محبوسین بر یکدیگر و به علاوه، یک زندان انفرادی یک محیط مناسب برای زندانی است تا در خلوت به آنچه که انجام داده است بیندیشد. به نظر می‌رسد که این سیستم، مناسب‌ترین نوع نگهداری زندانیان است.

پیامدهای سیستم‌های متفاوت نگهداری زندانیان

با گذشت زمان، زندانیانی که به انواع امراض نظیر افسردگی‌های شدید و بیماری‌های روحی متعدد مبتلا شده بودند، ناکارآمدی سیستم پنسیلوانیایی یا همان انفرادی را نشان دادند، به همین علت و پس از مشاهده این نتایج سیستم‌های نگهداری مشترک و

عمومی مورد توجه بیشتری قرار گرفتند؛ لکن در مورد این سیستم نگهداری نیز معایبی وجود دارد. از جمله آن که ممکن است زندانیان بدون توجه به نوع جرم یا سن یا وضعیت سلامتی و تنها با توجه به یک معیار که آن هم ارتکاب مطلق جرم است، در کنار یکدیگر قرار گیرند. معنی این جمله آن است که نگهداری بدون طبقه‌بندی زندانیان، امکان بزه‌دیدگی آنان را در داخل زندان افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، در این شرایط همواره عده‌ای از زندانیان مورد تجاوز واقع می‌شوند. واضح است که مقصود از تجاوز در این مقام تجاوز جنسی نیست؛ بلکه مقصود مطلق بزه‌دیدگی است. به طور مثال، فردی که در زندان مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرد و به تبع آن مضروب می‌شود، به نوعی مورد تجاوز قرار گرفته است.

تأثیر نگهداری توأم زندانیان بر نحوه رفتار با ایشان

به کرات مشاهده گردیده است که در داخل زندان‌ها گروه‌های مجرمانه‌ای تشکیل گردیده است و به افرادی که درون این گروه‌ها عضویت ندارند صدماتی وارد می‌شود و از این اعضا باج‌خواهی نیز به عمل می‌آید و گاهی ممکن این باج‌خواهی‌ها در خارج از زندان نیز ادامه پیدا کند. ضمن آن که قرار گرفتن مجرمین در کنار یکدیگر و بدون ضابطه یا طبقه‌بندی خاص، ممکن است زمینه بروز انحرافات اخلاقی را نیز فراهم آورد.

تأثیر وضعیت جسمانی زندانیان بر نحوه رفتار با ایشان

به طور مثال زندانیان کم‌سن‌تر و یا دارای جثه ضعیف‌تر، در ازای حمایتی که از زندانیان قوی‌تر دریافت می‌کنند و یا زندانیان معتاد در مقابل دریافت مواد مخدر داخل زندان، ممکن است به اعمال نامشروع جنسی تن دهند. ضمن آن که این احتمال وجود دارد که با عدم انجام طبقه‌بندی و تفکیک در زندان، زمینه بروز امراض واگیردار توسعه پیدا نموده و حتی زندانیانی که دارای اعتیاد نمی‌باشند، توسط معتادین در دام اعتیاد گرفتار شوند.

تأثیر زندانیان محکوم به مجازات سالب حیات بر سایر زندانیان

از جمله دیگر پیامدهای عدم طبقه‌بندی زندانیان به طور ملموس و نمونه‌های عینی نیز مشاهده شده است، این مورد است که اشخاصی که به مجازات‌های سلب حیات نظیر اعدام یا قصاص محکوم شده‌اند، تلاش می‌نمایند تا با زندانیانی که موعد آزادی آن‌ها نزدیک است، ارتباط برقرار کرده و از ایشان به عنوان مهره‌هایی برای ادامه فعالیت‌های غیرقانونی خود در خارج از زندان استفاده نمایند. مشاهده افرادی که به جرم استعمال مواد مخدر یا حمل مقادیر ناچیزی از مواد مخدر ولو برای استفاده شخصی خود وارد زندان شده‌اند و پس از آزادی از زندان و اتمام مجازات جرم قبلی خود، به اعمال مجرمانه دیگری مثل حمل مواد مخدر، سرقت، قتل و جرائم این‌چنینی دست زده‌اند، گواه این ادعاست و نشان‌دهنده این است که این موضوع علاوه بر جنبه تئوری دارای نمونه‌های عملی نیز می‌باشد. از پیامدهای دیگر عدم طبقه‌بندی زندانیان این موضوع است که محکومین به قصاص یا اعدام با کشتن یا مجروح نمودن زندانیان ضعیف‌تر یا بی‌کس، اجرای حکم خود را به تعویق می‌اندازند.

مزایای طرح تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان

تأثیر نظریه خنثی‌سازی بر تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان

پیش از بیان موضوع باید متذکر شد که برای دسترسی به مزایای تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان، باید ابتدا جمعیت کیفری زندان‌ها را با توجه به اصل عدم حبس در اسلام مدیریت نمود. جداسازی و طبقه‌بندی مجرمین در زندان‌ها تا حد بسیاری در کاهش آسیب‌های اجتماعی موجود در زندان‌ها تأثیرگذار است. باید دقت داشت که اگر چه حبس و زندان موجبات تقبیح مجرم را فراهم می‌آورد؛ لکن با انجام جداسازی و تفکیک زندانیان، این تقبیح با جهت‌گیری و هدف انجام خواهد شد. این تفکر تحت عنوان

«نظریه شرمساری» در مباحث عدالت ترمیمی ظهور پیدا می‌کند. نظریه شرمساری بازپذیرکننده یا همان نظریه شرمسارسازی بازپذیرکننده اثر نئودر کیمی است که بر نقش نیروهای ساختاری و فرهنگی در انجام اجتماعی و جرم تأکید می‌کند. این نظریه با بافت اجتماعی و بستر فرهنگی جامعه ایرانی تناسب و تجانس زیادی دارد. کانون نظریه شرمساری بازپذیرکننده، درک ارتباط جرم و کنترل اجتماعی است که بر شرمساری اعمال مجرمانه و بازپذیری بعدی عاملان کجرو تأکید می‌ورزد (وردی نیا و حسنی، ۱۳۹۴: ۲۵).

براساس این نظریه، مرتکب یک بزه با ایجاد شدن حس شرمساری و شرمندگی درون خود نسبت به جرمی که مرتکب شده است منزجر و شرمنده می‌شود. ضمن آن‌که توجه به نظریه خنثی‌سازی نیز اهمیت تقبیح جرم به جای تقبیح مجرم را مشخص‌تر می‌سازد. نظریه خنثی‌سازی که نام دیگر آن نظریه فنون خنثی‌سازی نیز هست و آموزه‌های آن وجهه روان‌شناختی نیز دارد، مشتمل بر مبانی است که در پرتو به کارگیری آن‌ها تصویر قبیح جرم از ذهن مرتکب محو شده و ارتکاب جرم توسط وی تسهیل می‌شود. این نظریه توسط دیوید ماتزا و گرشام سایکسدر دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح گردید. براساس این نظریه بزهکاران دارای اعتقادهای اخلاقی هستند، لکن آن‌ها را با توجیه‌هایی بی‌اثر می‌سازند و پس از بی‌اثر ساختن اعتقادهای خود مرتکب جرم می‌شوند؛ چرا که آن اعتقادهای اخلاقی موانعی بر سر راه ارتکاب جرائم هستند (آقایاری و قلی پور، ۱۳۹۴: ۹۵).

بنا بر این نظریه، نمی‌توان بزهکاران را دارای نظام ارزشی متفاوت با دیگران دانست؛ چراکه اگر چنین باشد بزهکاران نباید از کردار خود هیچ‌گونه احساس گناه و شرم کنند، اما در واقع چنین نیست و در واقع، می‌توان گفت بزهکاران با تکنیک‌هایی عمل بزهکارانه خود را توجیه می‌کنند.

الف. انکار آسیب بزهکار از طریق انتخاب کردن یک نام مطلوب و مناسب برای عمل خود مثل قرض گرفتن به جای دزدی.

ب. انکار آسیب‌دیده از طریق مقصر دانستن وی و یا اعتقاد به مقدر بودن آسیب برای آسیب‌دیده.

ج. محکوم کردن محکوم‌کنندگان از طریق زیر سوال بردن صلاحیت مجریان کنترل اجتماعی.

د. توسل به ارزش‌ها مانند وفاداری به گروه همسالان.

بدین شکل بزهکاران خود را قابل شماتت نمی‌دانند. به طور مثال، فردی که به دلیل فروش یا حمل مواد مخدر زندانی شده است، به احتمال فراوان دولت یا وضعیت نامساعد مالی و اقتصادی را عامل ارتکاب عمل بزهکارانه خود می‌داند.

زمینه‌سازی برای اصلاح و بازپروری زندانیان

هدف از اجرای تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان، زمینه‌سازی برای اصلاح و بازپروری زندانیان است. بازپروری و اصلاح مجرمین از دو بعد اساسی مورد توجه است.

الف: بعد اصلاحی و درمانی، که شامل جنبه‌های پزشکی و بالینی است و برای درمان مسائل و مشکلات روانی و امراض جسمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب: بعد تربیتی و اخلاقی، که به مسائل اخلاقی توجه شدیدی می‌کند؛ چراکه در گذشته که تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مطرح نبود، تعرضات فراوانی به کودکان به وسیله بزرگسالان انجام می‌گرفت؛ لکن امروزه با توجه به بعد تربیتی و اخلاقی بازپروری و اصلاح مجرمین، این مهم تا حد زیادی مرتفع شده است. در الگوی بالینی که به وسیله مکتب تحقیقی و پس از آن به وسیله مکتب دفاع اجتماعی نوین مطرح می‌شود، بایستی الزاماً در فرآیند طبقه‌بندی زندانیان به تشخیص بیماری زندانی پرداخته و بیماری او در نحوه تفکیک و جداسازی وی لحاظ می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که با توجه به وضعیت روانی یا بیماری‌های جسمی هر فرد باید به وی به دید یک کیس خاص نگریسته شود.

از انواع طبقه‌بندی زندانیان که طی چند سال اخیر در برخی زندان‌های کشور اجرا گردیده است، احداث و تخصیص بندهایی تحت عنوان بندهای روان‌درمانی است. جهت اجرا و انجام این نوع طبقه‌بندی در زندان‌ها، ابتدا زندانیان مورد بررسی این امر قرار

می‌گیرند که آیا از نظر شخصیتی قابل اصلاح و بازپروری هستند یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، زندانیان وارد این بندها می‌شوند. نکته حائز اهمیت در این نوع از طبقه‌بندی آن است که زندانیان با انواع جرائم متفاوت در کنار یکدیگر و در داخل بند روان‌درمانی قرار می‌گیرند. از ثمرات و پیامدهای مثبت این روش که در برخی از زندان‌ها مثل زندان مشهد، به صورت ویژه پیگیری می‌شود آن است که چون این روان‌درمانی با سبک و رویکردی مذهبی انجام می‌گیرد، منجر به اصلاح نگرش‌ها و باورهای اساسی زندانیان می‌شود. لذا وقتی که زندان از محیط زندان خارج می‌شود، دارای سلامت روانی بوده و امید آن است که درصد بازگشت وی به زندان و ارتکاب مجدد جرم توسط وی به حداقل ممکن برسد.

تأثیر تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در کاهش تکرار جرم

از تأثیرات مثبت دیگر طبقه‌بندی زندانیان، تأثیر این امر در کاهش تکرار جرم است؛ اما باید توجه داشت که منظور از ارتکاب جرم در این جا، ارتکاب جرمی غیر از جرم اولیه است. علت این امر، آن است که در صورت ارتکاب جرمی مشابه جرم اول یا از نوع جرم اول، چنانچه زندانی پس از ارتکاب جرم اولیه، تحت طبقه‌بندی قرار گرفته باشد نشان از عدم توفیق زندان در بازپروری و تربیت مجدد زندانی است.

تأثیر بررسی‌ها و مطالعات پزشکی و پیراپزشکی در طبقه‌بندی زندانیان

مطالعات روانپزشکی و روانی نشان‌دهنده این امر است که بسیاری از زندانیان و محبوسین، دچار اختلالات یا نارسایی‌های عاطفی هستند. در حقیقت، تعداد زیادی از مجرمین به علت این‌که در آرزوی مجازات هستند، مرتکب جرم می‌شوند. باید دقت داشت که زندانی کردن افراد بدون مداوای روحی و جسمانی آنان، این هدف را در زندانیان محقق می‌سازد و قانون نیز ندانسته به زندانیان کمک می‌کند تا این نیازهای ناسالم خود را ارضا نمایند. برای مشاهده میزان تأثیرگذاری تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در کاهش تکرار جرم، باید دو موضوع را بررسی نمود. اول آن‌که تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در داخل زندان تا چه حد می‌تواند جرم‌زایی در زندان را کاهش دهد. دوم آن‌که تأثیر طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان بر تکرار جرائم چگونه است؟ به طور مثال برخی از جرائم ماهیت تکرارشوندگی ندارند و آن یک‌بار ارتکاب جرم نیز ممکن است به صورت خطائی و غیرعمد واقع شده باشد.

رابطه برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و ارتکاب جرم در زندان‌ها

طی بررسی‌های صورت گرفته، جرم‌زایی در زندان‌ها با برنامه‌های تربیتی و اصلاحی رابطه معکوس دارد؛ لذا هرچه برنامه‌های تربیتی در زندان کمتر باشد، میزان وقوع و ارتکاب جرم در زندان‌ها بیشتر بوده و بالعکس. طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان می‌تواند تا حد بسیار قابل قبولی، میزان جرم‌زایی در زندان‌ها را کاهش دهد. صحیح است که طبقه‌بندی زندانیان و قرار گرفتن زندانیانی با جرائم ارتكابی مشابه و از یک نوع در کنار یکدیگر، موجب حرفه‌ای‌تر شدن مجرمین و تخصصی‌تر شدن جرائم ارتكابی بعدی آن‌ها می‌گردد و گاهی می‌تواند زمینه‌ساز تشکیل باندهای مجرمانه گردد، اما به نظر می‌رسد تخصصی شدن افراد در یک جرم بهتر از آشنایی با انواع جرائم مختلف در ارتکاب بزه‌های متنوع باشد؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که طبقه‌بندی زندانیان بر پیشگیری از تکرار جرم عام تأثیر مثبت دارد، ولی برای جلوگیری و پیشگیری از تکرار جرم خاص، طبقه‌بندی زندانیان تأثیر اندکی داشته و بیشتر برنامه‌های اصلاحی و تربیتی در این امر موثر هستند.

رابطه میان ماهیت جرم و پیشگیری از جرم

علاوه بر این‌که طبقه‌بندی زندانیان و برنامه‌های اصلاحی تأثیر مثبتی در پیشگیری از تکرار جرم دارند، خود ماهیت جرم نیز در تکرار جرم تأثیرگذار است برای مثال، جرمی مانند حمل مواد مخدر یا شرب مسکر خاصیت تکرارشوندگی بالایی را درون خود دارد، اما جرمی مانند قتل غیرعمد ناشی از تصادفات رانندگی، چون یک بزه خطائی است؛ لذا خاصیت تکرارشوندگی پایینی دارد.

رابطه تکرار جرم با میزان ارتباط فرد با جامعه

عامل دیگر در تکرار جرم نیز میزان ارتباط فرد مرتکب جرم با جامعه است. از جمله معیارهای ارتباط فرد با جامعه می‌توان به ازدواج، داشتن یک شغل تمام وقت و تحصیلات آکادمیک اشاره کرد. هرچه ارتباط و تعامل فرد با جامعه بیشتر باشد، امکان تکرار جرم به میزان قابل توجهی کاهش پیدا می‌نماید. از سوی مقابل، نیز هرچه میزان ارتباط و تعامل فرد با جامعه کمتر باشد، امکان تکرار جرم از سوی این افراد بیشتر است. بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که مجرمان با سابقه بازداشت بیشتر، بیش از دیگران و سریع‌تر از سایرین مرتکب تکرار جرم می‌شوند. هربار بازداشت قبلی، احتمال تکرار جرم را حدود ۵ الی ۱۱ درصد افزایش می‌دهد؛ لذا حبس، عنصری است که به خودی خود، احتمال تکرار جرم را بالا می‌برد، حتی برای آن دسته از بزهکارانی که برای بار اول، وارد پروسه حبس می‌شوند. در سیاست جرم‌زدایی، اصل بر این است که مجرم نباید به زندان ورود پیدا کند؛ ضمن آن‌که برخی از جرائم نیز باید از حالت جرم خارج شده و با سازوکارهای اداری با آن‌ها برخورد شود؛ چرا که زندان خود به خود زمینه پرورش جرائم را فراهم می‌آورد. در کنار جرم‌زدایی، با اجرای طرح‌های موازی دیگری مثل زندان‌زدایی نیز، زندان‌های کشور تبدیل به ندامتگاه شده است که این امر نیز گام دیگری در راستای جلوگیری از تکرار جرم و همچنین ورود افراد به زندان‌ها است (عرفانی و داورنیا، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

کیفر زندان عملاً احتمال ارتکاب جرائم مجدد توسط مجرم را پس از آزادی از زندان افزایش می‌دهد و مدافعان بازدارندگی حبس باید اثبات نمایند که گذاردن مدت معینی در زندان باعث کاهش کل جرائم ارتكابی در طول زندگی فرد می‌شود (کاتینگهام، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

طی مطالعات علمی ثابت گردیده است که برای پیشگیری از وقوع جرم و کاهش یافتن میزان تکرار آن، اجرای اصولی و استاندارد تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان می‌تواند گام مهمی در اجرای این مهم بردارد (کفاشی و اسلامی، ۱۳۸۸: ۶۱). در پایان این مباحث نیز باید به این نکته مهم، دقت کافی را مبذول داشت که اجرای تمامی این اصول و دستیابی به منافع و ثمرات تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان، منوط به کاهش میزان حبس و به طریق اولی، کاهش ورودی مجرمین به زندان‌هاست. در حقیقت، اجرای اصل عدم حبس اسلامی و کاهش مجازات حبس در اکثر جرایم است که مشکل را از ریشه حل می‌کند، مگر در مواردی اندک که لازم است کیفر حبس اعمال گردد؛ چراکه برخلاف مبانی فقهی و اسلامی، میزان حبس‌های کوتاه‌مدت در کشور ما فوق‌العاده بالاست و همین امر سبب افزایش ورودی بزهکاران به زندان‌ها شده است. این موضوع هم باعث عدم اجرای موفقیت‌آمیز طرح تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان شده و هم علت به هدف نرسیدن برنامه‌های اصلاحی، تربیتی و بازپروری برای زندانیان است؛ لذا اجرای موفقیت‌آمیز تمامی طرح‌های اصلاحی و بازپروری مجرمین، به علاوه طرح تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان منوط به کاهش میزان ورودی مجرمین به زندان‌ها و کاهش میزان حبس‌های قانونی مندرج در قوانین موضوعه است.

نتیجه‌گیری

چنانکه دیدیم مجازات حبس و زندان در حال حاضر در همه جوامع غربی و شرقی اعمال می‌شود اما مجریان قانون نیز متوجه ناکارآمدی این روش و افزایش روزافزون مجرمان شده‌اند. در اسلام مجازات حبس مورد توجه نبوده و اصل بر انجام حداقلی آن است و همین موضوع نشان از تاثیر منفی این نوع مجازات بر شخصیت افراد و تبعات آن بر جامعه دراز مدت است. با این وصف به نظر می‌رسد قانونگذاران باید تمهیدات تازه‌ای را برای دوری از افزایش این تبعات منفی به کار بگیرند از جمله این که طبقه‌بندی و تفکیک مجرمان را از نظر دور ندارند. گذشته از این که می‌توان با در نظر گرفتن مجازات‌های دیگری غیر از حبس، از تعداد زندانیان کاست، جدا سازی انواع زندانیان خود موجب دوری مجرم از غیر مجرم و همچنین جنایتگاران و افراد عادی و عدم تاثیر پذیری افراد سالم از سایرین گردد. گر چه در حال حاضر کمبود زندان و موانع دیگری از جمله افزایش جرایم و کمبود نیروی

انسانی و همچنین جرایم متعدد برخی مجرمان، تفکیک و طبقه‌بندی را دچار اشکالاتی نموده می‌توان با برنامه ریزی دراز مدت و تغییر برخی قوانین جرم انگاری و مجازات‌ها گام مثبتی در این راه برداشت.

منابع

۱. آقایی، مهدی و قلی‌پور، غلامرضا (۱۳۹۴). نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی، فصلنامه حقوق کیفری، سال هشتم، شماره ۱۵.
۲. ابن بابویه، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین القمی الصدوق (۱۳۹۰). من لا یحضره الفقیه، ج ۴، چاپ هجدهم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۳. باقری، محمد (۱۳۹۸). مزایا و موانع اجرای طرح تفکیک و طبقه‌بندی کامل زندانیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
۴. توجهی، عبدالعلی و ابراهیم‌وند، حسام (۱۳۹۳). لزوم استفاده محدود از کیفر سالب آزادی، دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، سال پنجم، شماره ۶۸.
۵. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۰). تاملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره ۴.
۶. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۵). مبانی تکمله المنهاج، ترجمه: علیرضا سعید، ج ۲، تهران: انتشارات خرسند.
۷. صفاری، علی (۱۳۹۷). کیفرشناسی، چاپ سی و دوم، تهران: نشر جنگل.
۸. صیادیان، مهدی (۱۳۹۵). جایگاه اعسار در اسناد تجاری، ماهنامه دادرسی، سال پنجم، شماره ۱۱۷.
۹. عرفانی، محمود و داورنیا، رحیم (۱۳۹۰). تأثیر زندان در تکرار جرم، فصلنامه راهبرد، سال اول، شماره ۱.
۱۰. کاتینگهام، جان (۱۳۸۴). فلسفه مجازات، ترجمه: محسن برهانی، فصلنامه فقه و حقوق، سال اول، شماره ۴.
۱۱. کفاشی، مجید و اسلامی، عنایت (۱۳۸۸). بررسی عوامل تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۴.
۱۲. ماتیوس، راجر (۱۳۸۱). زندان‌ها در هزاره سوم، ترجمه: لیلا اکبری، تهران: انتشارات راه تربیت.
۱۳. مقیمی حاجی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). فلسفه مجازات در اسلام، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، سال ششم، شماره ۵۲.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و رضوانی، سودابه (۱۳۹۴). سلب آزادی پیشگیری محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره ۱۲.
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۷). دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر گنج دانش.
۱۶. وردی‌نیا، اکبرعلی و حسینی، محمدرضا (۱۳۹۴). شرمسارسازی بازپذیرکننده و بزهکاری، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، سال شانزدهم، شماره ۳.